

## رابطه ابعاد مادی و غیر مادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری

رسول ربانی\*، وحید قاسمی\*\*، محمد عباس زاده\*\*\*

**طرح مسأله:** افزایش جمعیت و شهرنشینی به عنوان پدیده‌ای فراگیر مخصوصاً در کلان شهرهای بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه از جمله ایران و مشکلات ناشی از آن، باعث شده است بسیاری از نظریه پردازان شهری به مشارکت شهروندان در امور شهری، توجه خاصی نمایند. هدف مقاله حاضر، بررسی مشارکت شهروندان در امور شهری و رابطه رفاه اجتماعی با آن بوده است.

**روش:** روش تحقیق، پیمایشی بوده و برای سنجش متغیرهای مستقل و وابسته، تعداد ۷۰۰ نفر پاسخگو به شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای از بین سرپرستان خانوارهای ۷ منطقه شهرداری اصفهان به عنوان نمونه نهایی انتخاب و به پرسشنامه‌های تهیه شده پاسخ گفته‌اند (سال ۱۳۸۶).

**یافته‌ها:** براساس یافته‌های تحقیق حاضر، بیشتر شهروندان اصفهانی، مشارکت بالایی در امور شهری داشته و بین ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی و مشارکت شهروندان در امور شهری، رابطه معنی دار خطی حاصل آمده است. همچنین بر اساس ضریب تبیین اصلاح شده رگرسیونی می‌توان گفت که ۱۷ درصد تغییرات متغیر وابسته، از طریق متغیرهای وارد بر مدل رگرسیونی تبیین گردیده و رابطه اعتماد نهادی با متغیر وابسته، بیش از بقیه متغیرها بوده است.

**نتایج:** هر قدر اعتماد نهادی و رضامندی اجتماعی و شهروندان در حد بالا و احساس محرومیت آنان در حد پایینی باشد، به همان اندازه، مشارکت آنان در امور شهری، بیشتر خواهد بود.

**کلید واژه‌ها:** احساس محرومیت نسبی، اعتماد نهادی، رضامندی اجتماعی،

رضامندی بهداشتی، رفاه مادی، مشارکت

تاریخ پذیرش: ۸۷/۸/۲۷

تاریخ دریافت: ۸۷/۲/۱

\* دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

\*\* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان

\*\*\* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان <M\_abbaszadeh@yahoo.com>

## مقدمه

در عصر حاضر، تغییرات شگرفی در علوم حاصل آمده و در اکثر شاخه‌های علوم اجتماعی از جمله جامعه‌شناسی توسعه تغییرات قابل توجهی پدید آمده است. محور اصلی در گزارش توسعه انسانی به سال ۱۹۹۴، توجه به بحث عاملیت انسانی (Graff, 2000) بوده است. در قرن اخیر، لزوم مشارکت مردمی در مراحل مختلف تکوین فرایند توسعه، مورد توجه جدی قرار گرفته و توجه به فعالیت‌های مشارکتی مردم، راهبرد جدید توسعه، عنوان شده است.

بر طبق نظر سرجل (Serjel) و افراد دیگر، مشارکت در بسیاری از کشورها، مفهومی ابهام‌انگیز است (نیازی، ۱۳۸۱: ۲۷). به عنوان مثال، میسرا (Misra)، مشارکت را سهیم شدن افراد در تصمیم‌گیری‌هایی می‌داند که این تصمیم‌گیری در وضع آنها مؤثر است (ربانی و گنجی، ۱۳۸۴: ۱۲۵). ارنشتاین (Arneshtein)، مشارکت را نوعی توزیع مجدد قدرت قلمداد می‌کند که به سبب آن، شهروندانی را که در حال حاضر در فرایند سیاسی و اقتصادی کنار گذاشته شده‌اند، قادر می‌سازد تا به تدریج در آینده شرکت داده شوند (نیازی، ۱۳۸۱: ۳۰). آلموند و پاول (Almond and Powel)، فعالیت‌های مشارکت جویانه را آن دسته از فعالیت‌هایی می‌دانند که شهروند معمولی می‌کوشد از راه آنها بر سیاستگذاری‌های شهری اعمال نفوذ کند (کیهانی، ۱۳۸۴: ۲۷۷). بیشتر اندیشمندان، تأثیرگذاری شهروندان در تصمیم‌های شهری (Verba, 1967: 55, and Rayan, 1999: 33) را با هدف توانمندسازی آنان در اداره امور محلی و تحصیل خدمات بهینه شهری (Schubler, 1996: 5) یادآور شده، نقش مشارکت را در توسعه پایدار شهری، تحقق دموکراسی، جامعه مدنی و سایر موارد مرتبط، بسیار حیاتی خوانده‌اند.

با توجه به موارد مذکور، در جامعه ما، ایران، نیاز به مشارکت، بیش از پیش احساس می‌شود. زیرا جامعه ما به جهت شرایط اجتماعی، تاریخی و سیاسی، بحرانهای متعددی را پشت سر گذاشته و در ادوار پیشین به دلایل مختلف، در رسیدن به توسعه پایدار، مخصوصاً توسعه پایدار شهری، مرارت‌های زیادی را متحمل گردیده است. حال که شاهد

مشکلات زیست محیطی شهری و اجتماعی بوده‌ایم و مسائل موجود جامعه شهری در خصوص رعایت ترافیک، توجه به فضای سبز، همکاری با شهرداری‌ها در زمینه ساخت و سازها، جمع آوری زباله، ایمنی شهری و مسایل عدیده دیگر به نوعی ما را در رسیدن به توسعه فراگیر با مشکل مواجه ساخته است، راهکار اساسی چه می‌تواند باشد؟ عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری کدامند؟ رفاه اجتماعی چه تأثیری در میزان مشارکت شهروندان در امور شهری دارد؟ در پاسخ به سؤالات بالا، عده‌ای وجود اعتماد نهادی (بعد غیرمادی رفاه اجتماعی) را در امر مشارکت مؤثر دانسته‌اند (علوی تبار، ۱۳۸۱) و برخی، متغیرهایی نظیر درآمد و تأمین شدن مایحتاج اولیه خانوار (بعد مادی رفاه اجتماعی) را از عوامل مهم در امر مشارکت قلمداد کرده‌اند (Rebori, 2005: 1).

### چهار چوب نظری

بر اساس نظریه جیمز فریزر (J. Frazer)، وضعیت اقتصادی و مادی شهروندان می‌تواند انگیزه‌های اساسی آنها در کنش مشارکتی باشد (تقوی، ۱۳۸۵). مردم، تصمیم‌گیرنده‌هایی منطقی و عقلایی هستند. آنها نوع کنش خود را بسته به شرایط مختلف زندگی از جمله وضعیت اقتصادی و مادی بروز می‌دهند. مازلو (Maslow)، معتقد است که تمام انسانها دارای نیازهایی (نیازهای جسمی، نیاز به ایمنی، نیاز به روابط اجتماعی، نیاز به احترام، نیاز به خویشتن‌یابی و رضایت) هستند که با انگیزه برآوردن آنها به فعالیتهای مختلف اجتماعی دست می‌زنند (رضوی، ۱۳۷۷: ۱۱۶). بنابراین به نظر می‌رسد تا زمانی که مردم از حیث اقتصادی، بهداشتی و تأمین مایحتاج اولیه زندگی در وضعیت مناسبی نباشند، نمی‌توان شاهد تحقق مشارکت فراگیر آنان در امور شهری بود.

به بیان هابرماس (Habermas)، کنش ارتباطی، بارزترین و فراگیرترین پدیده بشری است که بنیاد سراسر زندگی اجتماعی و فرهنگی و نیز همه علوم انسانی را تشکیل می‌دهد. مبنای نظریه هابرماس، ارتباط تحریف نشده است. به همین خاطر، وی در برقراری تعامل و مباحثه، چهار نوع معیار برای اعتبار دایعه‌ها مطرح کرده است: (۱) قابل

فهم بودن ۲) حقیقت داشتن (مبتنی بودن داعیه‌ها بر دانش موثق) ۳) قابل اعتماد بودن گوینده ۴) آزادی بیان مطرح کننده داعیه‌ها (ریتزر، ۱۳۷۴: ۲۱۵-۲۱۲). به این ترتیب، افراد درگیر در هر فعالیتی نظیر فعالیت مشارکتی، اگر احساس کنند که در جامعه از اعتماد عمومی خبری نیست، سعی خواهند کرد از انجام چنین فعالیتی سر باز زنند. این بخش از نظرات هابرماس با بخشی از نظریات اینگلهارت (Ingelhart)، آلموند (Almond) و وربا (Verba) که رابطه بین مشارکت و اعتماد را مورد توجه جدی قرار داده اند (دهقان و غفاری، ۱۳۸۴)، همخوانی دارد.

این که رفاه اجتماعی بر مشارکت شهروندان تأثیرگذار است، مورد قبول بیشتر اندیشمندان است (Saunders, Brown, and Eardely, 2003: 1). ولی تا به حال به مقوله رفاه اجتماعی بیشتر از بعد اقتصادی نگریسته شده است و افرادی چون آرمسترانگ (Armestrange) و اندیشمندان متعدد دیگر، در تئوری‌هایی که ارائه کرده‌اند، بیشتر، بعد اقتصادی آن را دیده‌اند (Rothenberg, 1953: 245)؛ اما رفاه اجتماعی تنها به موضوع اقتصادی مرتبط نمی‌شود؛ بلکه مفاهیمی نظیر اعتماد نهادی، احساس محرومیت نسبی، رضامندی بهداشتی، رضامندی اجتماعی و موارد دیگری را نیز در بر می‌گیرد که تحت عنوان بعد غیرمادی رفاه اجتماعی قابل بررسی است (Giddens, 2006: 365-367, and Bannet, 2004: 45).

یکی از ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی، اعتماد نهادی است. که جایگاه ممتازی در تبیین مشارکت شهروندان دارد. به همین خاطر است که در سالهای اخیر، جامعه شناسانی نظیر لوهمان (Luhman)، باربر (Brber) و دریسکول (Driscol)، اعتماد را در مرکز تحلیل‌های جامعه شناختی خود قرار داده و تأثیر آن را بر مشارکت شهروندان حیاتی خوانده‌اند (Driscol, 1978, Lewis, and Welgert, 1985: 980). نتایج تحقیق صورت گرفته توسط ربانی و گنجی (۱۳۸۴)، مقدس جعفری (۱۳۸۱)، کیهانی (۱۳۸۴)، روسی (Rose, 2006)، اسمیت (Smith, 2006) و لی (Lee, 2006)، نشان داد که برای افزایش مشارکت شهروندان در امور مختلف، وجود اعتماد نهادی ضروری است.

دومین بعد از ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی در تحقیق حاضر، احساس محرومیت نسبی است. دیویس (Davis)، ادعا می‌کند احساس محرومیت نسبی زمانی اتفاق می‌افتد که شخص دوست دارد آن چیزی که دیگران دارند، او هم داشته باشد. رانسیمن (Runciman)، مطرح می‌نماید که یک شخص زمانی احساس محرومیت نسبی می‌کند که احساس کند آن وضعیت و شرایط قابل دستیابی است. کروسبی (Crosby)، خاطر نشان می‌سازد که وضعیت نابرابر حاکم بر اجتماع می‌تواند به احساس محرومیت نسبی بیانجامد (Mehlum, 2002: 69). بنابراین، وقتی مردم به جهت وجود نابرابریهای اجتماعی، احساس نمایند که در مقایسه با دیگران یا در مقایسه امکانات شهری منطقه خود با سایر مناطق، مورد تبعیض واقع گردیده اند، طبیعی است به نیاز اساسی مسؤولان شهری که همانا مشارکت شهروندان در امور شهری است، پاسخ مناسبی نخواهند داد. امیرکافی در تحقیقی که پیرامون مشارکت انجام داده به این نتیجه مهم دست یافته است که هر قدر احساس محرومیت نسبی در جامعه بالا باشد، از مشارکت مردم در امور مختلف شهری کاسته خواهد شد (امیرکافی، ۱۳۸۲).

سومین بعد از ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی در تحقیق حاضر، رضامندی بهداشتی شهروندان می‌باشد که می‌تواند تأثیر اساسی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری داشته باشد. چرا که هر گونه فعالیت فیزیکی و اجتماعی، لزوماً به بدن سالم احتیاج دارد (Howard, et al 2007). در تحقیق ایکستروم و همکاران وی، رابطه بین رضامندی بهداشتی با میزان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی تأیید گردیده است (Ekstrom, and et al, 2007).

آخرین بعد از ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی که در تحقیق حاضر به آن پرداخته شده است، میزان رضامندی اجتماعی است. رضامندی از زندگی و شغل و در کل رضامندی از اجتماع محل زیست، می‌تواند استمرار هرگونه کنش مثبت اجتماعی از جمله مشارکت شهروندان در امور شهری را سبب گردد. این امر همان مصداق نظریه تسری گرونبرگ است (رفیع پور، ۱۳۷۲: ۱۷). از نظر ایشان، انسانها رضایت یا عدم رضایت خود از یک

بخش از زندگی را به سایر بخش‌ها منتقل می‌کنند. بنابراین، شهروندی که از وضع زندگی اش رضایت داشته باشد، بیشتر تمایل خواهد داشت در امور مختلف اجتماعی مشارکت نماید (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۵۲۶). تحقیقات کاظمی کردآسیایی (۱۳۸۱)، حسین‌زاده (۱۳۸۵) و کوثری (۱۳۷۴) نشان داده که رضامندی اجتماعی در افزایش مشارکت، تأثیر بسزایی داشته است.

در جهان امروز، رفاه اجتماعی بخشی از زندگی و فرهنگ انسان تلقی می‌شود و گسترش نظریه‌های انسان دوستی با تأکید بر مسئولیت همگان نسبت به یکدیگر و همچنین پیشرفت علوم اجتماعی و زیستی، در پیدایش نگرش‌های جدید در خصوص رفاه اجتماعی و تأثیر آن بر فعالیت‌های اجتماعی، مؤثر بوده است. این امر نشان می‌دهد که برآورد نیازهای شهروندان می‌تواند بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری نقش تعیین کننده‌ای داشته باشد. بنابراین می‌توان ادعا کرد که نیازهای اساسی از مقوله معیشت فراتر رفته و زمینه‌های غیر مادی را نیز شامل می‌گردد و به همین خاطر است که دو بعد اساسی برای رفاه (بعد مادی و غیر مادی) در نظر گرفته شده و بر اساس آن، رابطه مشارکت شهروندان در امور شهری با ابعاد مزبور سنجیده شده است.

## روش

### نوع تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش روش پیمایشی است، به این معنی که توزیع ویژگی‌های جامعه آماری مد نظر بوده و هدف، تبیین وضعیت موجود و شناسایی رابطه بین رویدادها بوده است. از لحاظ میزان ژرفایی، پهنای و پهنای (تحقیق روی جمعیت وسیع) و با در نظر گرفتن معیار زمان، مقطعی است: منظور اینکه در پژوهش حاضر، داده‌ها در مورد چندین صفت مورد مطالعه در مقطعی از زمان (سال ۱۳۸۶) گردآوری شده‌اند.

### جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل کلیه سرپرستان خانوارهای شهر اصفهان به تعداد ۴۴۴۵۵۲ نفر (سال ۱۳۸۶) بوده است. با توجه به ویژگیهای جمعیتی و پراکندگی آنان در

سطح مناطق شهرداری اصفهان، تعداد ۷۰۰ نفر با روش نمونه‌گیری چند مرحله‌ای انتخاب گردیده است. بر این اساس، بیشترین نمونه انتخاب شده به ترتیب از مناطق هشت، پنج، ده، سه، شش، یک و یازده بوده است.

#### ابزار مطالعه

وسیله اندازه‌گیری شامل پرسشنامه محقق ساخته بوده است ابتدا پرسشنامه مقدماتی، به تعدادی از متخصصان مرتبط، ارجاع گردیده نهایتاً اعتبار صوری و وسیله اندازه‌گیری با حذف و اصلاح تعدادی از گویه‌ها، حاصل شد. برای بررسی پایایی گویه‌های مرتبط با متغیر وابسته (مشارکت) به جهت یک بعدی بودن آن، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. مقدار ضریب مذکور به میزان  $0/819$  بوده که نشان از پایداری درونی بالای بین گویه‌ها دارد. در مرحله بعد برای برآورد اعتبار سازه‌ای<sup>۱</sup> مرتبط با بعد غیرمادی رفاه اجتماعی، از تحلیل عاملی<sup>۲</sup> استفاده شد. معنی داری آزمون بارتلت ( $Sig=0.000$ ) و نتایج آزمون آماری کایزرمایر ( $KMO=0/729$ )، نشان می‌دهد که تحلیل عاملی برای گویه‌های مورد نظر، امکانپذیر است و تعداد نمونه انتخاب شده برای انجام تحلیل عاملی، کافی می‌باشد. نتیجه نهایی اینکه تعداد ابعاد قابل قبول برای سازه رفاه اجتماعی در بعد غیرمادی، چهار عامل اعتماد نهادی، احساس محرومیت نسبی، رضامندی بهداشتی و رضامندی اجتماعی تشخیص داده شده است. علاوه بر انجام تحلیل عاملی، تحلیل پایایی در مورد هریک از عاملها و متغیرهای مربوط به ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی بر اساس روش پایداری درونی و با استفاده از تکنیک آلفای کرونباخ نشان می‌دهد که هریک از عوامل مطرح شده، دارای ضریب پایایی قابل قبولی بوده‌اند (جدول شماره ۱). بعد از حصول اعتبار و پایایی وسیله اندازه‌گیری، جمع‌آوری داده‌ها در سطح وسیع به وسیله پرسشگران آموزش دیده صورت پذیرفت.

1- construct validity  
2- factor analysis

جدول شماره ۱: نتایج و اجزاء تحلیل عاملی و تحلیل پایایی گویه‌های مربوط به ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی

ضریب پایایی کل	ضریب پایایی هر عامل	مقادیر ویژه	درصد واریانس تبیین شده	بار عاملی	شاخصها	بعد غیرمادی رفاه
۰/۷۵۲	۰/۷۸۵	۲/۵۷۷	۲۶/۵۱۹	۰/۸۵۵	صداقت	اعتماد نهادی
				۰/۸۵۳	قابل اعتماد بودن	
				۰/۷۸۱	انتقادپذیری	
				۰/۶۰۷	مسئولیت پذیری	
	۰/۷۵۶	۲/۱۵۱	۱۴/۷۶۱	۰/۹۴۰	تقسیم عادلانه امکانات و منابع	احساس محرومیت نسبی
				۰/۹۳۵	احساس نابرابریهای اجتماعی و اقتصادی	
				۰/۵۴۷	مقایسه امکانات شهری منطقه خود با سایر مناطق	
	۰/۶۶۸	۱/۹۰۲	۱۰/۸۵۷	۰/۸۱۴	رضایت از پزشکان عمومی	رضا مندی بهداشتی
				۰/۷۲۱	رضامندی از پزشکان متخصص	
				۰/۷۰۶	رضامندی از خدمات بهداشتی دریافتی	
	۰/۳۲۶	۱/۲۶۱	۸/۵۵۷	۰/۷۰۳	احترام اجتماعی	رضامندی اجتماعی
				۰/۶۰۹	رضایت از هم محله‌ایها	
۰/۵۰				رضایت از شغل		



## یافته‌های تحقیق

### یافته‌های توصیفی و استنباطی دو متغیره

برای سنجش مشارکت شهری، ۲۱ گویه داده شده بود. با در نظر گرفتن مجموع نمرات حاصله از ۲۱ سؤال انتخابی تحت عنوان مشارکت در امور شهری، می‌توان گفت که میانگین مشارکت شهری شهروندان ۹۱/۷۱ و میزان چاولگی برابر با ۰/۴۰۲- می‌باشد. نتایج مذکور نشان می‌دهد که مشارکت شهروندان در امور شهری، متوسط به بالا بوده است.

برای بررسی مشارکت شهروندان به تفکیک مناطق منتخب شهرداری، ابتدا، مناطق برگزیده، به مناطق برخوردار (۳ و ۱) و نیمه برخوردار (۵ و ۸ و ۶) و کم برخوردار (۱۰ و ۱۱) مقوله‌بندی شدند. تحلیل پراکنش یکطرفه، نشان داد که میانگین مشارکت اجتماعی شهروندان به تفکیک مناطق مقوله‌بندی شده، تفاوت معنی داری از هم داشته (Sig=۰/۰۵F=۲/۶۷۴, n=۷۰۰) و در این میان، به ترتیب، مشارکت شهری ساکنان مناطق نیمه برخوردار و کم برخوردار، بیشتر از مشارکت شهری ساکنان مناطق برخوردار بوده است.

برای سنجش تأثیر بعد مادی رفاه اجتماعی بر مشارکت شهروندان در امور شهری، شاخص‌های درآمد ماهیانه خانوار و تأمین مایحتاج اولیه (تأمین خوراک و پوشاک اعضای خانوار)، انتخاب گردیده بودند. نتایج یافته‌ها نشان داد که بیشتر شهروندان از حیث درآمد و تأمین نیازهای اولیه در سطح متوسط به بالا بوده و در مقایسه، شهروندانی که به لحاظ مادی در وضعیت پایینی قرار گرفته‌اند، مشارکت کمی نسبت به بقیه داشته‌اند. موارد مذکور با تحلیل پراکنش یکطرفه نیز تایید گردید (Sig=۰/۰۳, F=۲/۶۴, n=۷۰۰).

میانگین اعتماد نهادی شهروندان ۱۱/۵۲ و چاولگی برابر با ۰/۷۴ می‌باشد که نشان می‌دهد اعتماد شهروندان به مسؤولان شهری در حد پایینی بوده است. همچنین نتایج حاصله از آزمون پیرسون نشان داد که هر قدر اعتماد نهادی در جامعه بالا باشد، به همان اندازه بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهری افزوده می‌شود (R=۰/۳۵۲, Sig=۰/۰۰۰, n=۷۰۰). میانگین احساس محرومیت نسبی شهروندان، ۱۱/۸۰ و چاولگی برابر با ۰/۰۰۶- می‌باشد. نتایج مذکور نشان می‌دهد که احساس محرومیت نسبی در میان شهروندان کم

بوده است. همچنین برای آزمون رابطه میان دو متغیر مذکور، از آزمون پیرسون استفاده گردید. نتایج حاصله نشان داد که شدت همبستگی بین این دو متغیر ضعیف و نوع رابطه معکوس می‌باشد؛ یعنی هر چه احساس محرومیت نسبی شهروندان رو به فزونی گذارد، به همان اندازه، از مشارکت آنان در امور شهری کاسته خواهد شد ( $\text{Sig} / 0.00, n = 700$ ). ( $R = -0.209 =$

میانگین احساس رضامندی اجتماعی شهروندان،  $0.13/0.53$  و چابولگی برابر با  $0.277-$  می‌باشد. این امر نشان می‌دهد رضامندی اجتماعی در بین شهروندان، نسبتاً بالا بوده است. همچنین رابطه خطی بین متغیر رضامندی اجتماعی با متغیر مشارکت شهروندان در امور شهری از طریق آزمون پیرسون تأیید شده و شدت همبستگی بین این دو متغیر ضعیف بوده است؛ یعنی هر چه در جامعه شهری رضامندی اجتماعی بالا رود، به همان مقدار بر مشارکت شهروندان در امور شهری افزوده خواهد شد ( $R = 0.253, \text{Sig} = 0.00, n = 700$ ).

میانگین رضامندی شهروندان از خدمات بهداشتی،  $0.10/0.73$  و چابولگی برابر با  $0.238-$  می‌باشد؛ یعنی شهروندان از خدمات بهداشتی دریافتی، تا حدی راضی بوده اند. برای آزمون رابطه دو متغیر مذکور، از پیرسون استفاده گردید. نتایج نشان داد که شدت همبستگی بین این دو متغیر ضعیف می‌باشد؛ یعنی هر چه رضامندی شهروندان از خدمات بهداشتی بیشتر باشد، به همان اندازه بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری افزوده خواهد شد ( $R = 0.168, \text{Sig} = 0.00, n = 700$ ).

همچنین دارندگان دفترچه‌های بیمه درمانی، نسبت به کسانی که دارای دفترچه بیمه درمانی نبوده‌اند، مشارکت بیشتری در امور شهری داشته‌اند و این تفاوت میانگینها به لحاظ آماری، معنی دار بوده است ( $T = 3/5, \text{Sig} = 0.00, Df = 698$ ).

### تحلیل رگرسیونی چند متغیره

در شکل‌گیری مشارکت شهروندان در امور شهری، اعتماد نهادی، بالاترین تاثیر ( $0.276 =$  بتا) را نسبت به سایر متغیرها داشته است. نتیجه کلی این که، رابطه بین متغیرهای مستقل و

وابسته، تأیید شده و ضریب تبیین تصحیح شده نشان می‌دهد، ۱۷ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل تبیین شده است (جدول شماره ۲). همچنین معنی داری مدل رگرسیونی بر اساس روابط علی بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، طبق معادلات ساختاری (لیزرل) نیز تأیید گردیده است. شکل شماره ۱ نشان می‌دهد که رابطه بعد مادی رفاه اجتماعی با متغیر وابسته به لحاظ آماری معنی دار نبوده و کلیه متغیرهای بعد غیرمادی رفاه اجتماعی (به جز رضامندی بهداشتی)، با متغیر وابسته، رابطه داشته‌اند.

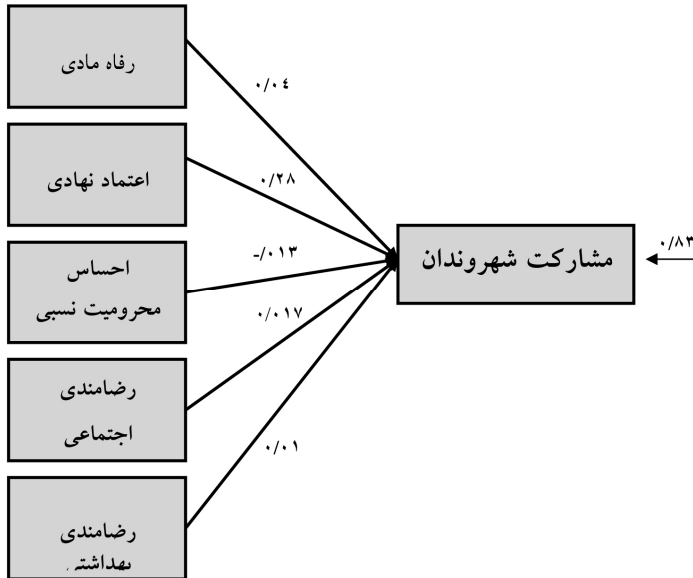
جدول شماره ۲: تحلیل رگرسیون چندمتغیره

متغیر	بتا	t	سطح معنی داری	آنالیز واریانس	
				سطح معنی داری	کمیت F
رفاه مادی	۰/۳۶	۰/۹۸	۰/۳	۰/۰۰۰	۲۸/۶۶
اعتماد نهادی	۰/۲۷۶	۷/۴	۰/۰۰۰		
احساس محرومیت نسبی	-۰/۱۲۹	-۳/۶۰	۰/۰۰۰		
رضامندی اجتماعی	۰/۱۶۵	۴/۴۵	۰/۰۰۰		
رضامندی بهداشتی	۰/۰۱	۰/۲۹	۰/۷		
ضریب همبستگی چندگانه					
ضریب تبیین					
ضریب تبیین اصلاح شده					
اشتباه معیار برآورد					
کمیت دوربین واتسون					

عدم معنی داری در سطح ۰/۰۵ \*

Chi-Square=0.00, df=0, P-value=1.00000, RMSEA=0.000

شکل شماره ۱: تبیین مشارکت شهروندان در امور شهری



### بحث و نتیجه گیری

هابرماس، لوهمان، باربر و دریسکول از جمله اندیشمندانی بودند که وجود اعتماد در جامعه را یکی از پیش فرضهای اساسی تحقق فرایند مشارکتی شهروندان در امور شهری قلمداد کرده بودند. از منظر اینان، بدون وجود اعتماد در جامعه، نمی توان از شکل گیری کنش مشارکتی شهروندان سخنی به میان آورد. از زاویه دیگر، پاتنام (Putnam) نیز، از اعتماد اجتماعی به عنوان تسهیل گر کنش های هماهنگ در جامعه یاد می کند. از نظر ایشان، اعتماد به عنوان مکانیسم کنترل اجتماعی در جامعه عمل می کند؛ یعنی نمی گذارد گروه های مسلط در جامعه به نفع خود عمل نمایند (Hooghe, 2007). در تأیید نظریات مذکور، نتایج تحقیقات ربانی و گنجی (۱۳۸۴)، مقدس جعفری (۱۳۸۱)، کیهانی (۱۳۸۴)، روسی (۲۰۰۶) اسمیت (۲۰۰۶) و لی (۲۰۰۶) نشان داد، وجود اعتماد نهادی در جامعه می تواند به افزایش مشارکت شهروندان در امور شهری کمک شایانی نماید. نظریات مذکور و نتایج

تحقیقات انجام یافته در جامعه آماری مورد مطالعه، مورد آزمون واقع گردیده و محتوای آنها (رابطه مستقیم بین اعتماد و مشارکت) به تأیید رسید.

دیویس، رانسیمن و کروسبی از جمله دانشمندانی بودند که تأثیر احساس محرومیت نسبی را بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، حیاتی خوانده بودند. از نظر آنان، تا زمانی که شهروندان احساس نمایند در مناطق شهری از حیث خدمات و تسهیلات دریافتی و یا از هر لحاظ، تبعیضی وجود داشته و مسؤولان نوعی نابرابری‌های شهری را دامن می‌زنند، طبیعی است از انجام فعل مشارکتی سرباز خواهند زد. نتیجه تحقیق امیرکافی (۱۳۸۲) نیز نشان داده بود که بین احساس محرومیت نسبی در جامعه و میزان مشارکت مردم در امور مختلف شهری، رابطه معکوسی وجود دارد. نتایج مطالعه ما نیز نشان داد که احساس محرومیت نسبی تأثیر منفی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری دارد.

بر اساس تئوری مازلو مذکور، انسانها دارای نیازهای مادی (ارضای نیازهای اولیه و ..) و معنوی (رضامندی اجتماعی و ..) بوده و تأمین آنها می‌تواند بر فعالیت اجتماعی شهروندان، نظیر فعالیت‌های مشارکتی، تأثیر گذار باشد. در همین راستا و با استناد به نظریه فریزر (مانند بخشی از نظریه مازلو) نیز می‌توان گفت تا زمانی که شهروندان مشکلات مادی و معیشتی خود را مرتفع نسازند، نمی‌توان از شکل‌گیری انگیزه کنش مشارکتی آنان سخنی به میان آورد. نتایج تحقیقات انجام یافته توسط ریسک (تاجیک اسماعیلی، ۱۳۷۶)، کمپل (کیهانی، ۱۳۸۴) و ریوری (۲۰۰۵)، نشان داد که متغیرهایی نظیر درآمد و تأمین نیازهای اولیه شهروندان در مشارکت شهروندان در امور شهری تأثیر گذار بوده‌اند. مطالعه ما نشان داد که با ورود متغیرهای مربوط به ابعاد غیرمادی رفاه اجتماعی، اثر بعد مادی رفاه بر مشارکت از بین می‌رود.

آنچه از محتوای نظریه گرونیبرگ استنباط می‌شود این است که رضامندی اجتماعی تأثیر بسزایی در مشارکت شهروندان در امور شهری دارد. در تأیید آن، نتایج تحقیقات کاظمی کردآسیابی (۱۳۸۱)، حسین زاده (۱۳۸۵) و کوثری (۱۳۷۴)، نشان داد که رضامندی اجتماعی با مشارکت شهروندان در ارتباط بوده است و شهروندانی که از رضامندی

اجتماعی بالایی برخوردارند، بیشتر علاقه‌مند به مشارکت در امور شهری هستند. نتایج تحقیق حاضر، محتوای نظریات مذکور (رابطه رضامندی اجتماعی و مشارکت) را تأیید کرده، بر قابل کاربرد بودن آنان در جامعه آماری مورد مطالعه، صحه گذاشت.

بر اساس نتیجه تحقیق ایکستروم و همکاران (۲۰۰۷)، رضامندی بهداشتی با مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی در ارتباط بوده است و در جامعه‌ای که شهروندان آن از خدمات بهداشتی دریافتی رضایت نداشته باشند، کمتر علاقه‌مند به مشارکت در امور شهری خواهند بود. تحقیق حاضر نشان داد که با ورود سایر متغیرهای ابعاد غیر مادی رفاه اجتماعی به معادله، اثر رضامندی بهداشتی بر مشارکت از بین می‌رود.

نتیجه نهایی حکایت از آن دارد که رابطه بعد غیرمادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری بیشتر از بعد مادی آن بوده است. بنابراین با در نظر گرفتن نتایج حاصله، می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه داد:

طرح شعارهای مشارکت جویانه از سوی دولت و دستگاههای دولتی یکی از نشانه‌های مهم حرکت دولت به سوی مشارکت است. حال که مسئولان و دستگاههای دولتی در ایران به این نتیجه رسیده‌اند که برای مرتفع کردن معضلات شهری، بایستی دست نیاز به مشارکت مردم در امور اجتماعی و به ویژه شهری دراز نمایند، ضروری است برای رسیدن به اهدافشان، هر گونه انتقاد سازنده را با جان و دل پذیرا بوده، با صداقت و مسئولیت‌پذیری در عمل، حسن اعتماد شهروندان را به خود جلب نمایند.

از نظر مکفرسون، یکی از پیش شرطهای اساسی مشارکت مردم، تقلیل نابرابری کنونی اجتماعی و اقتصادی است (حسین‌زاده، ۱۳۸۵: ۷۶). در این راستا، نتایج تحقیق حاضر نیز نشان داد که هر چه از احساس محرومیت نسبی در بین شهروندان کاسته گردد، به همان اندازه بر میزان مشارکت آنان در امور شهری افزوده خواهد شد؛ یعنی مسئولان شهر می‌توانند با تخصیص عادلانه امکانات شهری نسبت به مناطق شهرداری، از احساس محرومیت نسبی شهروندان بکاهند. بنابراین ضروری است که در تخصیص امکانات به مناطق شهرداری، پتانسیل‌ها، محرومیتها و نارسائیهای منطقه در نظر گرفته شود در حد امکان از اعمال هرگونه تبعیض در ارائه خدمات و امکانات شهری پرهیز نمایند.

نکته پایانی اینکه اگر بخواهیم برای ایجاد مشارکت فعال شهروندان دنبال ابزاری مناسب باشیم، می‌توانیم جلب اعتماد شهروندان از سوی مسئولان شهری را مهمترین ابزار قلمداد کنیم.

- امیرکافی، مهدی. (۱۳۸۲)، بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره بهینه امور شهری، تهران، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.
- تاجیک اسماعیلی، عزیز الله. (۱۳۷۶)، حس مشارکت و مسؤلیت پذیری دانش آموزان، گزیده‌ای از چکیده پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترای خارج از کشور، سازمان آموزش و پرورش استان آ - شرقی، شورای تحقیقات.
- تقوی، نعمت الله. (۱۳۸۵)، بررسی عوامل و زمینه‌های مشارکت مردم در توسعه منطقه شهرستان‌های آذربایجان شرقی، تبریز: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی آذربایجان شرقی.
- حسین زاده، علی حسین. (۱۳۸۵)، بررسی تطبیقی تاثیر عوامل اجتماعی - سیاسی و مشارکت مردم در انتخابات مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۸-۱۳۸۲)، پایان نامه دکترای جامعه شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- دهقان، علیرضا و غلامرضا غفاری. (۱۳۸۴)، تبیین مشارکت اجتماعی فرهنگی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی شهر تهران. مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۴.
- ربانی، رسول و گنجی محمد. (۱۳۸۴)، تبیین وضعیت مشارکت دانشجویان در تشکیل شرکت تعاونی دانشجویی، فصلنامه همیار، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۸۴.
- رضوی، سیدحسین. (۱۳۷۷)، فقر، پیشرفت و توسعه، رهیافتها و شاخصها، جلد ۱، جهاد سازندگی.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۲)، سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی وزارت جهاد سازندگی.
- رفیع‌پور، فرامرز. (۱۳۷۸)، آناتومی جامعه، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴)، نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- علوی تبار، علیرضا. (۱۳۸۰)، الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها، تهران: انتشارات سازمان شهرداری‌های کشور.
- کاظمی کردآسیایی، میترا. (۱۳۸۱)، بررسی ارتباط بین مهارت‌های انسانی مدیران با جلب



- مشارکت اولیای دانش‌آموزان متوسطه و راهنمایی شهرستان بابلسر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا، دانشکده علوم تربیتی.
- کوثری، مسعود.(۱۳۷۴)، بررسی تأثیر انسجام اجتماعی بر میزان مشارکت روستاییان در فعالیت‌های عمرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- کیهانی، مسیح‌الله.(۱۳۸۴)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- مقدس جعفری، محمد حسن و باقرزاده، فیروز.(۱۳۸۱)، بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت فرهنگی دانشجویان کرمان، پژوهشگران فرهنگ، فصلنامه شورای پژوهشی اداره کل فرهنگ ارشاد اسلامی کرمان، سال اول، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۱.
- نیازی، محسن.(۱۳۸۱)، تبیین موانع مشارکت اجتماعی در شهر کاشان، پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.
- Bannet, Fran.(2004), Development of social Security, **Social Policy Review**, University of Bristol, Great Britain: The Policy Press.
- Deriscol, James.W.(1978), Trust and Participation, **Academy of Management Journal**, Vol.21, No.1 , PP: 44-56
- Ekstrom, Henrik., Dahlin Ivanoff ., and Elmstahl, Solve.(2007), Restriction in social participation and lower life satisfaction among fractured in pain Results from the population study “Good Aging in Skane”, **Since Direct(Archives of Gerontology and Geriatrics**, pp: 1-16.
- Giddens, Anthony.(2006), **Sociology**, Fifth Edition, Cambridge, Polity Press.
- Graff,johann.(2000), Struggling with impass: Has Development Theory Been able to Reinvent itself ,**sociology**, university of cape town.
- Hooghe,Marke.(2007), Social Capital and Diversity Generalized Trust, Social Cohesion and Regimes of Diversity, **Canadian Journal of Political Science**, 40: 3 Catholic University of Leuven, (September 2007),pp: 709–732.
- Howard, Patricia B., Kay Rayens , Mary., El-Mallakh, Peggy.,

- and Clark, James, J.(2007), Predictors of Satisfaction Among Adult Recipients of Medicaid Mental Health Services, **Since Direct**(Archives of Gerontology and Geriatrics, pp: 257-269
- Lee, Eunjung.(2006), **A social resource model of political participation: Mass media use, social capital, and political participation** (Dissertation), Cornell university.
  - Lewis, David, and Weigert, Andrew.(1985), Trust as a Social Reality, **Social Forces**, Vol.63, No.4, pp: 976-985.
  - Mehlum, Halvor.(2002), Should I stay? Should I go? On Relative Deprivation, and Migration Dynamics, **Review of Development Economics**, (1), PP: 67-76
  - Rayan, Margaret.(1999), Participation & Empowerment: **An International Journal**, Vol. 7 No. 2, 1999, pp: 33-42, © MCB University Press.
  - Rebori, Marlene K.(2005), **The effectiveness of citizen participation in local governance: A case study of citizen advisory boards**(Dissertation), university of Nevada.
  - Rose, Trent, M.(2006), **Measuring civic engagement in Idaho Falls**(Dissertation), Idaho state university.
  - Rothenberg, Jerome.(1953), Marginal Preference and Theory of Welfare, **Oxford Economic Paper**, New Series, Vol.5, No.3, pp: 248-263.
  - Saunders, Peter., Brown, Judith., and Eardely, Tony.(2003), Patterns of economic and social Participation among faCS Customers, **Social Policy Research Center**, No.19, University of New South Wales. PP: 1-67.
  - Schubler, Peter.(1996), Participation and Partnership in Urban Infrastructure Management, **Urban Management and Infrastructure 19**, Published for Urban Management Programme by World bank, Washington, D, C.
  - Smith, Ronald, S.(2006), **Discerning differences in social capital: The significance of interpersonal networks and neighborhood association structure of citizen participation**(Dissertation), Indiana university.
  - Verba, Sidney(1967), Democratic Participation, **Annals of the American Academy of Political and Social Science**, Vol.37, pp: 53-78.